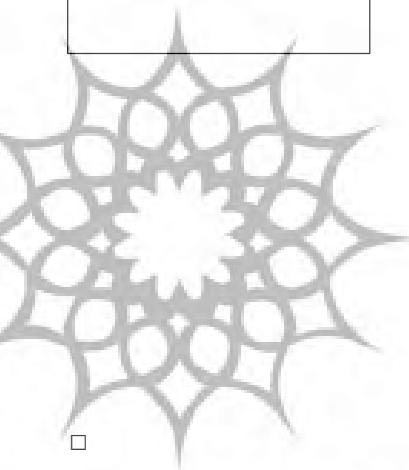
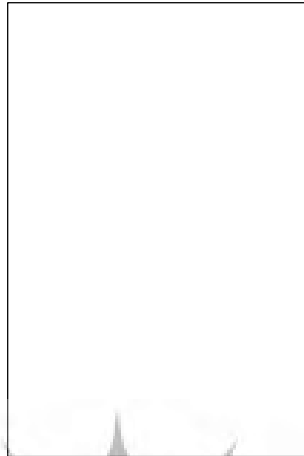


حدوداً ۱۵ سال پیش با شادروان دکتر سید جلال‌الدین مجتبوی (۱۳۰۷ - ۱۰ مرداد ۱۳۷۸ شمسی) قرآن‌شناس و مترجم جلیل‌القدر قرآن و استاد فلسفه - و سال‌ها رئیس گروه فلسفه و رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، و صاحب ترجمه‌های ارزشمند از انگلیسی و عربی به فارسی - برای همکاری در ترجمه طرح عظیم ۹ جلدی تاریخ فلسفه کاپلستون آشنا شدم. از شیرینی سخن و شیوایی بیان ایشان خوشم آمد. بعدها که دیدم چه استحضار ذهنی کم نظیری به آیات بینات قرآنی دارد، و عمری با قرآن و ترجمه و تفسیر و مسائل علمی قرآن پژوهی مانوس بوده است، ارادتم عمیق‌تر و احترامم افزون‌تر شد. هم ایشان یک جلد موظف خود را از آن اثر ترجمه کردند (که جلد اول بود، و ترجمه‌اش در سال ۶۲ در رشته فلسفه کتاب



پر توی از چراغ مصطفوی،

یادی از استاد

**سیدجلال‌الدین مجتبوی**

بهاء‌الدین خرمشاهی

سال شناخته شد؛ چنان که ترجمه ایشان از یکی از امهات متون اخلاقی متأخر اسلامی جامع السعادات نراقی هم به حق کتاب سال شد) و هم بنده (ترجمه این جانب جلد هشتم این اثر بود). هر دو ترجمه به تجدید چاپ هم رسیده است و در آرزوی روزی هستیم که ترجمه و طبع و نشر این اثر گرانسنگ به فارسی به پایان برسد.

سال‌ها بعد به دعوت فرهنگسرای اندیشه در یک میزگرد مربوط به ترجمه قرآن، با شرکت ایشان و جناب حجة الاسلام محمد علی مهدوی راد، قرآن پژوه کوشای معاصر، شرکت کردیم که بی مبالغه عرض کنم از احاطه ایشان به مسائل نظری و عملی ترجمه قرآن به فارسی، شگفت زده شدم.

بعد هم با خبر شدم که ترجمه ایشان از قرآن کریم را نشر حکمت در دست ویرایش و آماده‌سازی دارد. ویراستار آقای حسین استاد ولی بود که در عین جوانی، صاحب تصحیحات ارزنده از کتب علمی طراز اول است و اخیراً ویرایش دشوار و توانفرسای ایشان از ترجمه مشهور شادروان قمشه‌ای (که متأسفانه تا قبل از این ویرایش آقای استاد ولی آکنده از انواع غلط علمی بود) انتشار یافته و ترجمه مستقل فارسی آقای استاد ولی هم ان شاء الله به زودی از سوی نشر اسوه انتشار می‌یابد که همانند ترجمه شادروان استاد مجتبوی یک گام به پیش و جزو ترجمه‌های شیوا و دقیق فارسی قرآن کریم خواهد بود.

آقای استاد ولی از آن جا که این ترجمه را اثری مهم و ماندگار به جای آورده بود، و نیز از آن جا که اصولاً ویراستار و محقق سختکوش است، این ترجمه را در مدت زمانی بیش از یک سال تمام وقت ویرایش کرده و گاه درباره عبارات دشوار قرآن و مشکلات ترجمه و مسائل نظری - علمی ترجمه قرآن با همدیگر در دفتر انتشارات حکمت بحث می‌کردیم که چون بنده هم شیفته قرآن پژوهی بودم و هستم و همان ایام اشتغال به ترجمه قرآن کریم داشتم، گمان دارم این بحث‌ها برای طرفین روشنگر و مفید بود.

پس از نشر این ترجمه، وقتی از سوی یکی از مراجع رسمی و علمی کشور درباره ترجمه شادروان مجتبوی نظر خواهی کتبی از بنده (ولا بد چند تن دیگر) به عمل آمد، بدون احساس رقابت، بلکه با صداقت و فروتنی که لازمه کار و مایه قرآن پژوهی است، آن ترجمه را یک ترجمه کم نظیر و طراز اول ارزیابی کردم (یعنی به آن نمره ۹۵

از ۱۰۰ دادم. آن ۵ نمره باقی مانده، به نابجایی سؤال مربوط بود. به این شرح که پس از پرسیدن ده‌ها امتیاز و ویژگی و غیره پرسیده بودند که دیگر این ترجمه چه حسنی دارد که گفته نشده یا در میان سؤالات نیامده است؟ و بنده هم همه حسن‌ها و امتیازات را در سؤالات پیشین دیده و حداکثر نمره را داده بودم. این بود. و گرنه بنده بخل نداشتم و نمره‌ای که امروزه به طبع دوم و ویراسته‌تر این اثر می‌دهم یک نمره هم از ۱۰۰ کمتر نیست).

این حرف‌ها را به اصطلاح کلیشه‌ای نمی‌زنم. من ده‌ها صفحه ترجمه ایشان را (طبع اول) به دقت با متن مقدس قرآن مطابقت کرده و سهوهای ناچیزی هم یافته بودم که به حکم عشق به قرآن و ارادت به ایشان کلیه آنها را که در حاشیه یک نسخه نوشته شده بود، در اختیار ایشان گذاردم و شاید در ویرایش چاپ دوم به کار آمده باشد. ایام چنان که افتد و دانی بیرحمانه پیش می‌رفت و بنده از کسالت استاد بی‌خبر بودم. تا یک روز که شاید بتوان گفت حدوداً یک سال پیش بود، خدمت ایشان زنگ زدم و ۷-۸ دقیقه‌ای صحبت کردیم. بنده دست در کار تدوین دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی بودم (که در دو مجلد بالغ بر ۳۶۰۰ مقاله از جمله با اشتمال بر نزدیک به دویست زندگینامه خود نوشت قرآن پژوهان، از سوی نشر ناهید و دوستان در رمضان / زمستان ۱۳۷۷ انتشار یافت و امید است مقبول درگاه صاحب قرآن و مهبط وحی قرار گرفته باشد، و نیز مقبول طبع مردم صاحب نظر شود). باری از ایشان درخواست زندگینامه خود نوشت، با تأکید بر قرآن پژوهی و مسائل و آثار قرآنی کردم. با خوشرویی و خندانی و مهربانی همیشگی پذیرفتند و گفتند اگر چه بیمارم و چندان نیرویی ندارم، ولی می‌نویسم و می‌فرستم برای شما. آن جا بود که با نگرانی، از بیماری پیشرفته ایشان با خبر شدم و سلامتشان را از درگاه خداوند صاحب قرآن مسئلت کردم. از طول مقاله پرسیدند، گفتم: والله من در این مسئله حدودی قائل نیستم - و اگر چه به علم یقین و عین یقین می‌دانستم منتقدان صورت‌گرا و ظاهر بین به جای آن که وجد کنند که این دویست زندگینامه هریک سندی ارزشمند است، ایراد خواهند گرفت که چرا بعضی از این مقالات طولانی و بلند است؟ و بنده در جوابشان خواهم گفت: از آن جا که عقل و همت بنده کوتاه است. و فکر می‌کردند که این از آن است که بنده آداب صوری تدوین مرجع را نمی‌دانم. و یکی از منتقدان به

بنده که نزدیک به ۳۰ سال عمر بی‌بازگشت را در همین صوریات شیوه‌نامه‌ای - ویراستاری گذرانده‌ام، در مقاله خود آداب نقطه‌گذاری یاد دادند! بنده از انتشار کتاب اول شهرداری یا دفتر تلفن ۱۱۸ که همین حجم (۲۴۰۰ صفحه دو ستونی) را داشته باشد بیشتر به وجد می‌آیم تا بعضی از آقایان اهل علم و اهل کتاب، از دیدن این ۳۶۰۰ مقاله قرآنی و قرآن پژوهی.

پس از یک هفته، زندگینامه خود نوشت نسبتاً کوتاهی از ایشان دریافت کردم که تماماً و عیناً در دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی درج گردیده است. یکی از فضلا در نشریه همشهری، مقاله‌ای را که ذیل نام جناب مجتبی در این دانشنامه آمده دیده و از کوتاهی آن اظهار گلایه کرده است. غافل از آن که آنچه به قول ایشان فقط ۱۲ سطر است، طبق شمارش بنده ۱۰۰ سطر ستونی برابر با پنجاه سطر کتاب‌های قطع وزیری است. ضمناً بنده که ایشان را تشویق به هر چه بیشتر نوشتن کرده بودم. نوشته ایشان را هم که کوتاه و تلخیص نکرده‌ایم. هم حال استاد اقتضای نگارش بیش از این نداشته و هم ایشان احساس کرده‌اند که مقصود اصلی خود را بیان کرده‌اند. ضمناً ناقد محترم باید از این که یک مقاله مضبوط و خود نوشت در دانشنامه قرآن، درباره ایشان هست، اظهار رضایت می‌کرد. باری، این مقاله دو بخش دارد. یکی زندگینامه‌ای و کلی، و دیگر «سخنی کوتاه در فهم قرآن» و اینها مجموعاً یک صفحه و نیم در دانشنامه جا دارد که چون حروف ریز است برابر ۳-۴ صفحه کتاب‌ها یا نشریات دیگر است. برای تیمن و ملاحظه دقت نظر ایشان در کار ترجمه قرآن، بخش دوم را ذیلاً نقل می‌کنیم.

**«سخنی کوتاه در فهم قرآن، از آن جا که این مختصر برای درج در دانشنامه قرآن نگاشته می‌شود بجا و مناسب است سخنی چند در خصوص ترجمه و توضیح خود از قرآن کریم بگویم. در مقدمه این ترجمه به این پرسش پاسخ داده‌ام که با وجود ترجمه‌هایی از قرآن، ترجمه‌ای دیگر چه لزومی داشت؟ و خلاصه آن این است که ترجمه‌های موجود در آن زمان هر چند در فهم معانی آیات قرآن مجید تا اندازه‌ای سودمند بوده‌اند، لیکن هیچ یک پاسخگوی درست و بی‌نقصی بر انتقال مفاهیم و معانی قرآن و عاری از لغزش‌ها و اشتباهات و نارسایی‌ها نبود. با توجه به این که ترجمه این جانب از سال ۶۸ آغاز شد و در زمستان ۷۱ پایان یافت، و در آن موقع چند ترجمه‌ای که بعد از سال ۷۲ منتشر شد وجود نداشت. علاوه بر این، ترجمه‌های**

موجود در آن زمان صرفاً ترجمه بود و با ترجمه محض که بعضی هم تحت اللفظی بود، نمی‌توان به مراد و مضمون بسیاری از آیات پی‌برد، و یکی دو ترجمه‌ای که پاره‌ای توضیحات داشت، چنان با ترجمه آمیخته بود که بازشناسی ترجمه از توضیح و تفسیر ممکن نبود.

به این دلایل بر آن شدم که ترجمه‌ای از قرآن کریم که دقیق‌تر و صحیح‌تر باشد، همراه با توضیحات لازم برای فهم آیات کتاب عزیز فراهم کنم. این کار انجام گرفت و در سال ۷۲ در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. اما پس از آن دریافتیم که در این ترجمه نیز برخی لغزش‌ها و نارسایی‌ها هست، و ترجمه برخی آیات را می‌توان شیواتر ساخت؛ به علاوه برخی توضیحات تفسیری از نظر غایب مانده بود؛ حال آن که لازم و سودمند می‌نمود. از این رو بازنگری و ویرایش دوم را انجام دادم و به اصلاحات و تغییرات لازمی که در بیشتر صفحات به نظر می‌رسید، گنجاندیم و به توضیحات تفسیری هم افزودیم. سال بعد (۷۶) چاپ دوم منتشر شد. با این همه و با قبول این که ترجمه قرآن مجید بدان گونه که از هر لحاظ بی‌عیب و نقص و از جهت انتقال معانی و مفاهیم بی‌خلل و کامل باشد ممکن یا میسر نیست، زیرا که این کتاب معجزه الهی و فراتر از آن است که بشر بتواند حتی در ترجمه آن به صواب رفته و موفق بیرون آید؛ لیکن بی‌تردید هر اندازه در این راه کوشش شود، نتیجه کار بهتر می‌شود و به آنچه مطلوب است، می‌توان نزدیک‌تر شد. به این دلیل بعد از چاپ دوم باز هم در پی بهبود کار خود برای چاپ‌های سپس‌تر هستیم، و از خداوند قرآن مسئلت داریم که به لطف و فضل خویش توفیق و مدد بیشتر عنایت فرماید.

اما این که گفته می‌شود ترجمه بی‌عیب و نقص و بدون اشتباه و لغزش قرآن مجید ممکن یا میسر نیست، بدان معنی نیست که پس این کار را باید رها کرد و ما را نرسد که به آن دست یازیم. زیرا اگر باید قرآن را بفهمیم و در این مطلب شک نداریم، و از سوی دیگر همگان نمی‌توانند به زبان عربی تسلط یابند و اگر هم تسلط یابند، باز نیازمند استفاده از نظر دیگر صاحب‌نظران و به خصوص مفسران محقق و درست‌اندیش‌اند، آن‌گاه ضرورت ترجمه، و نیز توضیح و تفسیر به منظور فهم آیات بر کسی پوشیده نمی‌ماند. در ترجمه می‌توان با پشتکار و بازنگری‌های مکرر به آنچه بالنسبه دقیق‌تر و صحیح‌تر است، دست یافت. خوشبختانه در این چند سال اخیر علاوه بر

ترجمه‌های چندی که پدید آمده، کوشش شایان تقدیر در زمینه مطالعات قرآنی و قرآن پژوهی انجام گرفته است و به مدد اینها به خواست خدای تعالی به ترجمه و تفسیر مطلوب نزدیک می‌شویم.

نکته قابل توجه این است که اگر در ترجمه کاملاً صحیح و دقیق و زیبا و رسای قرآن نمی‌توانیم به مطلوب دست یابیم، همانا انتقال مفاهیم و معانی قرآن به زبانی دیگر ممکن و میسر است و هدف اصلی همین است، زیرا معجزه قرآن حکیم تنها فصاحت و بلاغت آن نیست که هیچ بشری قادر به آوردن همانند آن نباشد، بلکه معارفی هم که رهنمون انسان در زندگی است و نیازهای معنوی او را در رهبری و هدایت بهتر به خیر و سعادت و کمال بر می‌آورد و اخلاق و رفتار و اعمال او را اصلاح می‌کند و بهبود می‌بخشد و خلاصه دستگیر او در زندگی دنیا و باعث رستگاری او در آخرت است، و این باور داشت هر مسلمانی است، خود معجزه‌ای است بالاتر از فصاحت و بلاغت. «انّ هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم» (اسراء، ۹). (دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲/ ۱۹۷۵-۱۹۷۶).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی